اسطورهٔ وای، ایزدی دووجهی

محمود جعفری دهقی، استاد بازنشسته فرهنگ و زبان های باستانی، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران
mdehaghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۵/۲۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۷/۳۰

ایزد وای یکی از ایزدان کهن هند و ایرانی است که در اساطیر هر دو فرهنگ جایگاهی ویژه دارد. وای از ایزدان کهن هند و ایرانی اســـت. در اســـاطیر هند به همراه ایندره و از دئوه‌هاست اما دراســـاطیر ایرانی همراه و یاور اهوره‌مزدا در آفرینش است. ، یشت پانزدهم اوستا، به نام «رام‌یشت»، در ستایش اوست. در این یشت، حتی اهوره‌مزدا و دیگر ایزدان برای تأمین خواست‌ها و نیازهای خود به درگاه وای متوسل می‌شوند. با این حال، در متون پهلوی، وای به دو بخش مجزا تقسیم شده است: وای نیک یا وای دیرنده خدای، که نماد خیر و پشتیبان آفرینش اهوره‌مزدا است، و وای بد یا استویهاد، که دیو مرگ و نماد شر است.
این پژوهش به بررسی علت این تقسیم‌بندی دوگانه می‌پردازد و برآنست که نقش و جایگاه این ایزد در اساطیر ایرانی و نیز تغییر و تحول آن در گذر زمان را تحلیل کند و نشان می‌دهد که وای در اوستا دارای قدرتی بی‌همتا است و نقشی دوگانه ایفا می‌کند: ســـویی ایزدی خیرخواه اســـت و از ســـوی دیگر نیرویی که مرگ و ویرانی را به همراه دارد. این دوگانگی در ادبیات پهلوی با وضوح بیشتری بیان شده است؛ جایی که وای نیک به‌عنوان یاور نیکوکاران و وای بد به‌عنوان خدای مرگ و نابودی شـــناخته می‌شوند. این دوگانگی در نظام فکری زرتشتی و به‌ویژه در متون عصر اشکانی و ساسانی به اوج خود می‌رسد و نمونه‌ای از تلاش ایرانیان برای تبیین اندیشه‌های آفرینشی و رابطه میان جهان مادی و مینوی است.

واژگان کلیدی
وای به، وای بد، اهوره مزدا، استویهاد، تنویت.

[Downloaded from mail.pazhoukeshnameh.ir on 2026-11-18]

مقدمه

در آغاز هرمزد در بالا و در روشنی بیکران و اهریمن در فرودست، در تاریکی بیکران به سر می‌بردند. میان ایشان تهیگی (خلا) بود که وای است و آمیزش دو نیرو بدوست. «وای نیکو» که «وای دیرنده خدای» (دارای فرمانروایی طولانی) نامیده می‌شود، در آفرینش جهان مینوی و مادی یاور هرمزد است.

در ادبیات جدید زردشتی، وای به دو بخش «وای نیک» یا «وای دیرنده خدای» و «وای بد» یا «استویهاد» تقسیم شده است. زیرا خویشکاری وای، تحمل هردو آفرینش رقیب یعنی آفرینش اهورایی و اهریمنی است.

وای نیکو جامه‌ای زرین، سیمین، گوهرنشان و سرخ‌رنگ به تن دارد که جامهٔ ارتشتاری است. زیرا باید از پس دشمنان و پتیارگان بتازد و آن‌ها را از میان ببرد و از این طریق آفرینش هرمزد را یاری کند و آفرینش اهریمن را از میان ببرد. از سوی دیگر وای نیکو به همراهی اردیبهشت و آذر، دیوانی را که فروباریدن باران را مانع می‌شوند از میان می‌برد. هنگامی که وای بد یا استویهاد جان را در تن از میان می‌برد، وای نیکو آن را بپذیرد و خورسندی دهد. وای نیکو بر سر چینود پل (پل صراط) روان پارسایان را به سلامت بگذراند و رامش دهد. از این روی او را رام نیز می‌نامند. اما وای بد یا استویهاد چون بر کسی سایه افکند تب آید و چون به او بنگرد مرگ فرا رسد (بهار، ۱۳۸۴: ۴۰).

پیش از این، پژوهش‌های متعددی دربارهٔ این ایزد صورت گرفته. «وایو»[1] عنوان کتابی است که ویکاندر[2] در سال ۱۹۴۱ در اوپسالا منتشر کرده و به تفصیل دربارهٔ این ایزد به بحث پرداخته است. زینر[3] در دو اثر مشهور خود، یکی به نام زینر در دو اثر مشهور خود، طلوع و غروب زردشتی‌گری و زروان، بخشی را به این ایزد اختصاص داده است. در این آثار، زینر معتقد است که در ادبیات متأخر زردشتی سه نوع وای شناسایی می‌شود: نخست، وای به‌عنوان خدای مرگ؛ دوم، وای به، که یاور نیکوکاران و حامی طبقهٔ ارتشتاران است؛ و سوم، وای به‌عنوان سپهر و فضای کرانه‌مند است (Zaehner 1955, 80–91؛ Zaehner 1961, 148).

هلموت هومباخ[4] طی مقاله‌ای در یادنامهٔ دوشن گیمن[5] به مقایسهٔ ایزد وای با شیوا پرداخته است (Humbach1975). نیبرگ[6] در «دین ایران باستان» و دیگر پژوهشگران ادیان ایران باستان هیچ‌کدام از این مقوله غافل نبوده‌اند. آنچه در این مقاله به آن پرداخته می‌شود و نتیجهٔ این پژوهش به شمار می‌رود آن است که بنا بر برداشت دوگانهٔ موبدان زردشتی عصر اشکانی و ساسانی، همان‌طور که اهوره‌مزدا،

1. Vayu
2. Wikander1941 -
3. Robert Charles Zaehner
4. Helmut Humbach
5. Jacques Duchesne-Guillemin
6. Henrik samuel Nyberg

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

خدای یکتای زردشت را با داشتن دو بال رحمت (سپند مینو) و غضب (انگره مینو) (اوستا۱۳۷۷ ،یسن ۴۵:۲) تبدیل به دو مبداء خیر و شر یا همان ثنویت (اهوره‌مزدا و اهریمن) کردند، ایزد وای نیز که همراه و همکار اهوره‌مزدا در آفرینش بود، به دو قسمت وای به و وای بد تقسیم نمودند. با این همه نباید فراموش کرد که ایرانیان همواره برای تبیین اندیشهٔ آفرینش طرح‌های گوناگونی داشته‌اند و برآیند فوق می‌تواند یکی از آن طرح‌ها باشد.

بحث

ایزد وای به معنی «باد، جو و اتمسفر»، یکی از ایزدان هند و ایرانی است. این ایزد که نماد مادی و زمینی او باد است در اوستایی -vayu و در ودایی -vāyu است. واژهٔ «باد» در فارسی میانه wād و در اوستا -vāta از ایرانی باستان -vāta* از ریشهٔ -vā(y) به معنی «وزیدن، دمیدن» و نام ایزد موکل باد است. باد از واژه‌های هند و اروپایی است و با ventus لاتینی و wind انگلیسی و wint آلمانی هم‌ریشه است.[۷] وای که در اساطیر هند همراه نزدیک ایندره است، در اوستا دو چهرهٔ متفاوت دارد. در جایی به‌عنوان نگهبان آفرینش اهوره‌مزدا و در جای دیگر به‌عنوان دیو ترسناک مرگ (استویهاد) ظاهر می‌شود.

۷. حسن دوست ۱۴۰۰: ۶۰۰ و Malandra,2014

یشت ۱۵ اوستا به نام «رام‌یشت» دربارهٔ اوست (بهار، ۱۳۸۴: ۷۷؛ آموزگار، ۱۳۸۷: ۳۶) و خشنودی این ایزد را که دیده‌بان آفریدگان است خواستار می‌شود. بنا بر گزارش این یشت، اهوره‌مزدا که در ایرانویج بر کرانهٔ رود دائیتی بر تخت زرین نشسته و بر بالش زرین تکیه داده، در برابر برسم گسترده او را می‌ستاید و از او این کامیابی را درخواست می کند که او را در شکست آفرینش انگره مینو کامیاب کند؛ وای زبردست او را کامیاب می‌کند (اوستا، ۱۳۷۷: رام‌یشت، بند ۴-۲). هوشنگ پیشدادی در پای کوه البرز بر تخت زرین نشسته او را می‌ستاید و از او می‌خواهد که او را در سرکوب دیوهای مزنی و دروندان کامیاب کند؛ وای زبردست او را کامیاب می‌کند (همان: ۹-۷). تهمورث زیناوند نیز بر تخت زرین و بالش زرین در برابر برسم گسترده او را می‌ستاید و از او می‌خواهد که بر همهٔ دیوان و مردمان دروند، بر همهٔ جادوان و پریان پیروز شود و اهریمن را بر پیکر اسبی درآورد و سی سال بر پشت او بر زمین تاخت آورد؛ وای زبردست او را کامیاب می‌کند (همان: ۱۳-۱۱). جمشید خوب‌رمه در پای کوه بلندِ سراسر درخشان و زرین هُکَر، بر تخت زرین، بر بالش زرین و در برابر برسم گسترده او را ستود و از او خواست که به شهریاریش، جانوران و مردمان بی‌مرگ و آب‌ها و گیاهان خشک‌ناشدنی و خوراک‌ها کاستی‌ناپذیر شوند؛ وای زبردست او را کامیاب کرد و در شهریاری جم، نه

[Downloaded from mail.pazhoheshnameh.ir on 2026-11-18]

سرما بود و نه گرما، نه پیری بود و نه مرگ و نه رشک دیوآفریده (همان: ۱۷-۱۵). اژی‌دهاک سه‌پوزه بر تخت زرین و بالش زرین در برابر برسم گسترده او را ستود و از او درخواست کرد که همهٔ هفت کشور را از مردمان تهی کند؛ وای زبردست او را کامیاب نکرد (همان: ۲۱-۱۹). فریدون پسر آبتین در سرزمین ورنه بر تخت زرین و بالش زرین در برابر برسم گسترده او را ستود و از او درخواست کرد که او را بر اژی‌دهاک سه‌پوزهٔ سه‌کلهٔ شش‌چشم... پیروز کند؛ وای زبردست او را کامروا کرد (همان: ۲۵-۲۳). گرشاسب دلیر در آبشار رنگ‌های مزدا آفریده، بر تخت زرین و بر بالش زرین و در برابر برسم گسترده او را ستود و از او خواست تا او را در کین‌خواهی برادرش کامیاب کند؛ وای زبردست او را کامروا کرد (همان: ۲۹-۲۷). هوتوسا از خاندان نوذر بر تخت زرین و بالش زرین و در برابر برسم گسترده او را ستود و از او خواست تا در خانهٔ کی‌گشتاسب با احترام پذیرفته شود؛ وای زبردست او را کامروا کرد (همان: ۳۷-۳۵). دوشیزگان شوی‌ناکرده بر تخت زرین، بر بالش زرین و در برابر برسم گسترده او را ستودند و از او درخواست کردند که شوهرانی برزمند و جوان بیابند که همواره با آن‌ها خوش‌رفتار باشند و از آن‌ها فرزندانی دانا و هوشیار و خوش‌سخن به وجود آید؛ وای زبردست آنان را کامروا کرد (همان: ۴۱-۳۹).

بنا بر آنچه از یشت ۱۵ نقل شد، همهٔ ایزدان و قهرمانان اساطیری، حتی اهوره‌مزدا، وای را می‌ستایند و از او طلب یاری می‌کنند (Malandra,2014). این موضوع می‌رساند که مقام وای در ایزدکدهٔ خدایان پیش از اهوره‌مزدا برتر از همهٔ ایزدان بوده است. او هر دو آفرینش سپند مینو و انگره مینو را در دست داشته چنانکه خود می‌گوید: «ای زردشت اشَوَن (= پارسا)! به‌راستی اندروای نام من است. از آن روی [...] که من هر دو آفرینش – آفرینش سپند مینو و آفرینش انگرمینو – را می‌رانم» (رام یشت: ۴۳). از این پس نام‌های متعدد و دوگانهٔ نیک و بدِ وای برشمرده می‌شود. او خود را «جوینده» می‌نامد و می‌گوید: «از آن روی جوینده نام من است که من بر هر دو آفرینش – آفرینش سپند مینو و آفرینش انگره مینو – می‌رسم» (همان: ۴۳). از آن روی بر همه چیره‌شونده نام من است که بر هر دو آفرینش سپند مینو و انگره مینو چیرگی می‌یابم (همان: ۴۴). افزون بر این، وای برای خود صفات دیگری نیز برمی‌شمرد، از جمله: پیش‌رونده، پس‌رونده، تند، دلیر، نیرومند، ستیزه‌شکن، نیزهٔ سرتیز و پهن و آخته و برخی نام‌های دیگر که مفهوم برخی از آن‌ها چندان روشن نیست (همان: ۴۸-۴۵). سپس از زردشت می‌خواهد که پیروانِ دینِ بهِ مزدیسنان، نام‌های او را در میدان‌های جنگ، در برابر آموزگاران دروغین، به هنگام اسارت در بند دشمن برخوانند و از او استمداد جویند (همان: ۵۱-۴۹). در پایان این یشت، وای دارندهٔ

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

صفات چالاک، دلیر، زرین‌تاج، زرین‌خود، زرین‌طوق، زرین‌گردونه، زرین‌رزم‌افزار، زرین‌موزه، زرین‌کمر و... ستوده می‌شود (همان: ۵۶-۵۳). نمازهای اشم وهو و یثا اهو وئیریو پایان بخش این یشت‌اند.

همان‌طور که پیشتر گفته شد، در ادبیات جدید زردشتی وای به دو بخش وای نیک یا وای دیرنده‌خدای و وای بد یا استویهاد تقسیم شده است. بنا بر گزارش بندهش:

(*Ohrmazd*) *ā-š kirb ī wāy ī weh frāz-brēhēnīd ciyōn wāy abāyast. ast kē wāy ī dagrand-xwadāy frāz-gōwēd. u-š dām pad ayārīh ī wāy ī dagrand-xwadāy frāz-brēhēnīd, cē ka-š dām-iz dād wāy-iz abzār-ē ī-š pad kār andar abāyast*

«هرمزد... آنگاه تنِ وای نیک را فراز آفرید، همان‌گونه که شایستهٔ وای بود. باشد که او را وای دیرنده خدای (= وای دارندهٔ فرمانروایی درازمدت) خوانند. آنگاه، آفرینش را به یاری وای دیرنده خدای فراز آفرید، زیرا هنگامی که آفرینش را آفرید، وای نیز چون افزاری بود که او را در کار لازم بود.» (فرنبداد، بندهشن، فصل ۲، بند ۲)

در اینجا به نظر می‌رسد که نویسندهٔ بندهش بر آن است که زروان را که خدای دین زروانی بوده در مقابل فرمانروایی اهوره‌مزدا به مقامی پایین‌تر تنزل دهد. لازم به یادآوری است که ظاهراً ایرانیان باستان، مانند همتایان ودایی خود، تصورات گوناگونی در مورد خلقت و شکل‌گیری کیهان داشته‌اند. براساس منابع بسیار متأخر پهلوی، می‌توان طرحی را شناسایی کرد که در آن شرایط اولیه، هم فضای بیکران (وایو) و هم زمان بیکران (زروان) وجود داشت و از آن دوگانگی مکان و زمان کرانمند به‌عنوان ملزومات آفرینش تکامل یافتند (Malandra,2014). پیش از این نیز در اوستا ارتباطی نزدیک میان فضا (وای) و زمان (زروان) پیش‌بینی شده است، جایی که وای -darəγō.xwāδata (فم. dagrand-xwadāy) با زروان مشترک است و هر دو زمان بیکران (-zrwan-akarana) و زمان دیرنده خدای (-zrwan-darəγō.xwaδāta) با هم حضور دارند. در واقع، اولویت کیهانی زمان به موضوع اصلی الهیات زروانی در دورهٔ اشکانی و ساسانی تبدیل شد (نک. همانجا).

اما دربارهٔ اینکه وای دارای دو صفت متضاد است، باید به یاد داشت که در بینش پیروان مزدیسنا، اهورامزدا خالق دو روح به‌عنوان دوقلوها[8] بود که اقتباسی از اسطورهٔ کیهانی هندواروپایی دوقلوهای اولیه است (Lincoln,1975). مارتین شوارتز[9] نیز نشان داده است که دوگانگی این دو روح از مفهوم اساسی هندوایرانی ناشی می‌شود. می‌توان فرض کرد که به محض اینکه وای، به‌عنوان فضای بیکران و فراتر از مقوله‌های خیر و شر، کرانمند شد، به دو بخش تقسیم شد. به این ترتیب،

8. yəmā
9. Martin Schwartz

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

او بخش خیرخواه باد (وای به) را از یک سو، و بدخواه آن یعنی مرگ (استویهاد) را از سوی دیگر به عهده گرفت. بنابراین، به نظر می‌رسد که این خدای هندی-ایرانی با داشتن شخصیتی دو سویه دارای جنبهٔ خیرخواهانه و بدخواهانه تلقی می‌شد. (Schwartz,1975) به نظر نگارنده این ویژگی بعدها به‌وسیلهٔ عارفان ایرانی به تمامی مکاتب خداشناسی ایرانی نیز تسری یافته چنانکه همواره خداوند را از یک سو رحمان و رحیم و از سوی دیگر جبار و منتقم می‌دانند. با این همه در ادبیات زردشتی دورهٔ ساسانی دو صفت متضاد وای از یکدیگر جدا شده و یکی به ایزدی خیرخواه و دیوی سهمناک (استویهاد یا وای بد) تبدیل می‌شود که در مقابل ایزد رام یا وای به قرار دارد:

Astwihād kē Way ī wattar xwānīhēd ō ẓām ī ast Way ī weh

(بندهشن، ۱۳۸۴، ص ۱۱۸، فصل ۵، بند ۱)

و اهریمن او را برای نابودی کیومرث و دیگر آفریدگان هرمزد فراز هشته:

u-š Astwihād abāg hazār dēw ī margīh-kardārišn pad Gayōmart frāz hišt.

«استویهاد را با هزار دیو مرگ‌آور بر کیومرث فراز هشت» (بندهشن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶، فصل ۴، بند ۲۳؛ گزیده‌های زادسپرم، ص ۲۵، فصل ۱، بند ۱۹). و جان آدمی را می‌ستاند:

Astwihād Wy ī wattar kē gyān stānēd. ciyōn gōwēd kū: ka dast abar mardōm mālēd būšāsp, ka-š sāyag abar abganēd tab, ka-š pad cašm wēnēd gyān be zanēd u-š marg xwānēnd.

«استویهاد وای بدتر که جان را بستاند. چنین گوید که: هنگامی که دست بر مردم مالد بوشاسب [آید]؛ چون سایه بر کسی افکند تب؛ [و] چون کسی را با چشم بیند، جان (او را) بزند (= بستاند)، او را مرگ خوانند» (بندهشن، ۱۳۸۴، ص ۲۷۵، فصل ۲۷، بند ۴۴). همچنین در دادستان مینوی خرد آمده است که پس از مرگ، «تا سه شبانه روز روان به بالین تن نشیند و روز چهارم بامدادان به همراهی سروش مقدس و وای نیک و بهرام نیرومند و با مخالفت استویهاد و وای بد [...] تا به چینود پل می‌آید [...] همراه با [...] استویهاد که همهٔ آفریدگان را می‌بلعد و سیری نمی‌پذیرد» (دادستان مینوی خرد، ۱۳۸۵، فصل ۱، بندهای ۱۱۵–۱۱۷). همچنین بنا بر همین متن، از وای بد (=استویهاد یا دیو مرگ) کسی را گریزی نیست (نک. همان، فصل ۴۶). در متن ائوگمدیچا، بندهای ۷۷ تا ۸۱، راهی که مردگان باید از آن بگذرند شرح داده شده است. در این متن، دیو مرگ (استویهاد) گناهکاران را می‌بندد و به دوزخ می‌کشد. درواقع، خویشکاری وای بد یا استویهاد جدا کردن جان از تن است (دادستان دینی، ص. ۳۲۵، فصل ۳۶، بند ۴۰).

u-š … wattar Way wisanišn ī gyān az tan….

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

«و وظیفهٔ وای بد جداکردن جان از تن [استنک. همانجا، ص. ۳۳۰، فصل ۲۹، بند ۴.) بنا بر گزارش متن پهلوی اندرز پوریوتکیشان «هنگامی که آدمی از پشت پدر به شکم مادر می‌رود، استویهاد پنهانی بندی در گردن او افگند و در طول زندگی نه به‌وسیلهٔ مینوی خوب و نه به‌وسیلهٔ مینوی بد نمی‌توانند آن بند را از گردن جدا کنند اما پس از مرگ کردار خوب مرد نیکوکار سبب می‌شود که آن بند از گردن او جدا شود ولی مرد بدکار را با او به دوزخ می‌کشند» (اندرز پوریوتکیشان، ص. ۱۵۶، بندهای ۳۱ و ۳۲).

نتیجه‌گیری

دیدیم که که ایزد وای ریشه در اساطیر هند و ایرانی دارد. در اساطیر هندی، وای به همراه ایندره و از دئوه‌هاست، اما در اساطیر ایرانی، او به عنوان همراه و یاور اهوره‌مزدا در فرآیند آفرینش شناخته می‌شود. در اوستا، وای مقام والایی دارد و یشت ۱۵ به نام او اختصاص یافته است. در این یشت، اهوره‌مزدا و برخی ایزدان و قهرمانان اسطوره‌ای برای تأمین خواسته‌های خود به درگاه وای نیاز می‌برند. در ادبیات پهلوی، ایزد وای به دو بخش وای بِه و وای بد تقسیم شده است. همان‌طور که اشاره شد، این تقسیم‌بندی ناشی از برداشت دوگانه‌ای است که موبدان زردشتی در دوره‌های اشکانی و ساسانی نسبت به آفرینش داشتند. مشابه تقسیم اهوره‌مزدا به دو بخش رحمت (سپند مینو) و غضب (انگره مینو) که منجر به دوگانگی خیر و شر شد، ایزد وای نیز به دو جزء وای بِه و وای بد تقسیم گردید. با این حال، باید توجه داشت که ایرانیان همواره برای تبیین اندیشه‌های آفرینشی، طرح‌های مختلفی ارائه کرده‌اند و این تقسیم‌بندی می‌تواند یکی از نمونه‌های آن تلاش‌ها باشد.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

منابع

آموزگار، ژاله (۱۳۸۷) اساطیر ایران، تهران: سمت.
اوستا (کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی) (۱۳۷۷)، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، (دو جلد)، تهران: مروارید.
بهار، مهرداد (۱۳۶۹) بندهش فرنبغ دادگی، تهران: توس.
بهار، مهرداد (۱۳۸۴)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: آگاه.
پاکزاد، فضل‌الله (۱۳۸۴) بندهشن، جلد ۱: متن انتقادی، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی.
تفضلی، احمد (۱۳۸۵) مینوی خرد، تهران: توس.
تفضلی، احمد (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
جاماسپ آسانا، منوچهر جی (بی‌تا)، متن‌های پهلوی، با مقدمهٔ بهرام گور انکلسلریا و دیباچهٔ ماهیار نوابی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
حسن‌دوست، محمد. (۱۴۰۰) فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. تهران: ماهریس.

Humbach, H. (1975) “Vayu, Śiva und der Spiritus Vivens im ostiranschen Synkretismus,” in J. Duchesne-Guillemin, ed., Monumentum H. S. Nyberg I, Tehran and Liège, pp. 402-8.
Jaafari-Dehaghi, M. (1998), Dādestān ī Dēnīg, Part I, Paris.
Lincoln, B.,(1975). “The Indo-European Myth of Creation,” History of Religions, 15, , pp. 121-45.
Malandra, William W. (2014), „VĀYU,“ Encyclopædia Iranica, online edition, , available at http://www.iranicaonline.org/articles/vayu (accessed on 17 September 2014).
Nyberg, H. S.(1966) Die Religionen des alten Iran, Leipzig, 1938; repr., Osnabrück, p. 300.
Widengren, G., (1941) Die Religionen Irans, Stuttgart, 1965, pp. 8, 17.
Wikander, S., Vayu I, Uppsala.
Zaehner, R.C., (1955), Zurvan, a Zoroastrian Dilemma, Oxford, pp. 80-91.
Zaehner, R.C.,(1961) The Dawn and Twilight of Zoroastrianism, Oxford, p. 148.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]